

## بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان

### در فعالیتهای داوطلبانه خیرخواهانه\*

- محمد صالح طیب‌نیا<sup>۱</sup>
- حوریه ربانی اصفهانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

سازمان‌های غیر دولتی (NGO)، پدیده‌ای جدید در حیات اجتماعی جوامع غربی محسوب می‌شوند که رشد شتابان آن‌ها، از نیمه دوم قرن بیستم و در پی مسائل ناشی از جهانی شدن آغاز شده است. این سازمان‌ها، به دنبال بسیج نیروی مردمی و داوطلب برای بهبود وضعیت جامعه، رفع کاستی‌ها، بروز و ظهور دیدگاه‌ها و دستیابی به توسعه پایدار هستند. در این بین، زنان نیز از این وضعیت مستثنی نبوده و فرصت حضور در سازمان‌های غیر دولتی، به عنوان نمادی از مشارکت را خواهند داشت. تشویق زنان و فراهم آوردن امکان حضور آنان در سازمان‌های غیر دولتی، آنان را به نیروی سازنده تبدیل کرده و مشارکت اجتماعی آنان را بهبود می‌بخشد. با توجه به این که فعالیت در چنین سازمان‌هایی، داوطلبانه و غالباً بدون نفع اقتصادی می‌باشد، بررسی و تبیین

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱.

۱. هیئت علمی دانشکده اهل بیت (ع) دانشگاه اصفهان

saleh@tayebnia.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، (نویسنده مسئول)

rabbany6168@yahoo.com

عواملی که سبب مشارکت زنان به عنوان قشر عظیمی از جامعه، در این نهادها و امور خیر می‌گردد، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی و تبیین این عوامل، متناسب با پتانسیل‌های زنان در پنج حوزه فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی پرداخته و عواملی همچون عواطف، خانواده، تربیت، آموزش، سن، سواد، حقوق اقتصادی زن مسلمان، فاکتورهای مذهبی و دیگر موارد بیان گردیده است.

**واژگان کلیدی:** مشارکت زنان، فعالیت داوطلبانه، خیریه، سازمان غیر دولتی

### مقدمه

در جهان امروز، مشارکت گسترده مردم در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یکی از ملزومات دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود (رحیمی و یزدخواستی، ۱۳۹۱، ۳۲۱). مشارکت، به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری کردن است (بیرو، ۱۳۷۰، ۲۵۷). مشارکت اجتماعی بر فعالیت‌های داوطلبانه و آزادی دلالت می‌کند که از طریق آن‌ها، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند. مشارکت اجتماعی از بی‌تفاوتی، تک‌روی و عدم وجود حس تعاون و تحرک جلوگیری کرده و نابرابری‌ها را در جامعه کاهش می‌دهد. (فرجی و فعلی، ۱۳۸۹، ۱۷۱).

یکی از راه‌های جلب مشارکت افراد در جامعه، سازمان‌های غیر دولتی (NGO)<sup>۱</sup> می‌باشند. سازمان‌های غیر دولتی، پدیده‌ای جدید در حیات اجتماعی جوامع غربی محسوب می‌شوند که رشد شتابان آن‌ها، از نیمه دوم قرن بیستم و در پی مسایل ناشی از جهانی شدن آغاز شده است. این سازمان‌ها، به دنبال بسیج نیروی مردمی و داوطلب برای بهبود وضعیت جامعه، رفع کاستی‌ها، بروز و ظهور دیدگاه‌ها و دستیابی به توسعه پایدار هستند.

در این بین، زنان نیز از این وضعیت مستثنی نبوده و فرصت حضور در سازمان‌های غیر دولتی، به عنوان نمادی از مشارکت را خواهند داشت. تشویق زنان و فراهم آوردن

1 .Non Governmental Organization.

امکان حضور آنان در سازمان‌های غیر دولتی، آنان را به نیرویی سازنده تبدیل کرده و مشارکت اجتماعی آنان را بهبود می‌بخشد.

در ایران و جوامع اسلامی، انجام کارهای خیر، نه تنها در زمان فعلی، بلکه در زمان‌های گذشته نیز زمینه مناسبی برای مشارکت زنان در اجتماع بوده و به آن اهتمام ویژه شده است. زنان متمول جامعه عصر صفوی، نقش مهمی در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود، به سوی فعالیت‌های خیریه شهری از طریق اوقاف به‌عهده داشتند. توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، اکثراً برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه بوده است. به علاوه، برخی در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش نیز تلاش می‌کردند، به طوری که تعداد بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی، به همت زنان مرفه این عصر دایر شده بود (زرین بافت شهر، ۱۳۸۴، ۹۳).

با توجه به مطالب بیان شده و با توجه به این که فعالیت در چنین سازمان‌هایی، داوطلبانه و غالباً بدون نفع اقتصادی می‌باشد، بررسی و تبیین عواملی که سبب مشارکت زنان به عنوان قشر عظیمی از جامعه، در این نهادها و امور خیر می‌گردد، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی و تبیین این عوامل، متناسب با پتانسیل‌های زنان پرداخته است.

### پیشینه تحقیق

فرجی و فعلی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان مشارکت زنان در سازمان‌های غیر دولتی، به بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در این گونه سازمان‌ها با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه در بین ۸۰ نفر از زنان ۱۹-۳۰ ساله پرداخته‌اند. آنان بیان می‌دارند که با بالا رفتن سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد مورد مطالعه، میزان مشارکت آنان نیز افزایش می‌یابد.

شادی طلب (۱۳۸۲)، با ارائه الگویی تبیینی، مشارکت اجتماعی زنان را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مشارکت مذهبی خیریه‌ای (شرکت در کارهای خیریه، خرید جهیزیه و...) بالاترین سطح مشارکت زنان را در بر گرفته و مشارکت‌های دیگر (شرکت در سازمان‌های صنفی و کارگری، گروه‌ها و احزاب سیاسی، تعاونی‌ها و...) در سطح کمتر از متوسط قرار دارد.

یزدان‌پناه (۱۳۸۲). پژوهشی را پیرامون مشارکت اجتماعی زنان انجام داده است. در این پژوهش، عوامل بازدارنده از مشارکت بررسی گردیده و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل خانوادگی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی دست به دست هم داده و فرد را نامشارکت‌جو، بار می‌آورند.

با بررسی مقالات و پژوهش‌ها، دیده می‌شود که تحقیقات صورت گرفته در بیشتر موارد، در خصوص مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بوده و به شکل کلی به این موضوع پرداخته شده است و عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان در انجام کارهای خیر، مورد نظر نبوده است. با توجه به تأثیرگذاری زیاد حضور زنان در این حوزه و میزان اهمیت آن، لزوم پژوهش در این حوزه احساس می‌گردد.

### چارچوب نظری

در این بخش، با توجه به برخی نظریه‌ها در این حوزه، متغیرهای مؤثر بر مشارکت افراد، به‌ویژه زنان بیان می‌گردد.

اینگلهارت<sup>۱</sup> معتقد است مشارکت افراد در جامعه، تحت تأثیر متغیرهایی مانند تحصیلات رسمی، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، سطوح مهارت اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی و تجربه‌های شغلی افراد و تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف سیاسی می‌باشد. وی، همچنین معتقد است سه عامل باعث افزایش مشارکت زنان در مغرب زمین شده است: ارتقاء تحصیلات و اطلاعات سیاسی و تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان که کمتر بر نیازهای آنی تأکید داشته و بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ۳۷۸).

پاتنام<sup>۲</sup> مشارکت افراد را در اجتماعشان، ناشی از میزان سرمایه اجتماعی آنان می‌داند. وی، سرمایه اجتماعی را شامل سه بخش در نظر می‌گیرد که عبارتند از: الف. شبکه‌ها: یعنی روابط اجتماعی و میزان تعامل آنها با همدیگر؛

1. Englehart.

2. Putnam.

ب. همیاری: رابطهٔ تبادلی بین افراد مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده، در آینده بازپرداخت شود؛

ج. اعتماد: حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای دیگران است. وی معتقد است این شاخص‌ها، باعث گسترش شبکه‌های اجتماعی شده و منجر به مشارکت مدنی می‌شود. (توسلی، ۱۳۸۴، ۱۵)

توکویل<sup>۱</sup> نیز، به بررسی دلایل مشارکت اجتماعی می‌پردازد و مانند پاتنام معتقد است که سرمایهٔ اجتماعی و مشارکت، تأثیر متقابل دارند. مشارکت عمومی، فرد را از انزوا خارج ساخته و به سوی منافع همگانی می‌کشاند که این امر، موجب ارتقاء سرمایهٔ اجتماعی می‌شود. از طرف دیگر، سرمایهٔ اجتماعی منجر به تسهیل روابط اجتماعی می‌شود و دستیابی به اهداف را آسان‌تر کرده و مشارکت اجتماعی افراد را در ساخت اجتماعی، میسر می‌کند (خوش‌فر، ۱۳۷۸، ۲۶۲).

بورديو<sup>۲</sup> نیز، همانند پاتنام، سرمایهٔ اجتماعی را بر مشارکت مؤثر می‌داند و در کنار آن، سرمایهٔ فرهنگی را نیز در مشارکت اجتماعی مؤثر می‌داند. از نظر بورديو، عضویت در شبکه‌های اجتماعی مختلف، مانند عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، احزاب سیاسی و اجتماعی و انجمن‌ها، به‌عنوان عضویت در جامعه تلقی می‌شود و بیانگر حجم شبکه‌های ارتباطی افراد و نشان‌دهندهٔ میزان سرمایهٔ اجتماعی آنان می‌باشد (فرجی و فعلی، ۱۳۸۹، ۱۷۴).

متغیرهای بیان‌گر دیده با میزان تأثیر متفاوت از مردان، در نوع مشارکت زنان نیز مؤثر است، به گونه‌ای که بر اساس برخی تحقیقات، مشارکت زنان در امور مدنی (شرکت در سازمان‌های صنفی، گروه‌ها، احزاب سیاسی، تعاونی‌ها و...) پایین و میانگین مشارکت خیریه‌ای (شرکت در کارهای خیریه، هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی، برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند)، بسیار بالاتر از سایر انواع مشارکت است (فرجی و فعلی، ۱۳۸۹، ۱۷۶). این امر، می‌تواند به‌عنوان نقطهٔ قوتی در جهت به‌کارگیری زنان در عرصهٔ امور خیر به کار گرفته شود و با در نظر

1. Tocqueville.  
2. Pierre Bourdieu.

گرفتن متغیرهای مؤثر با افزایش و بهبود مشارکت زنان در سطح اجتماع، هم از یک سو برای سایر بانوان ایجاد انگیزه کند تا بر کوشش‌ها و تلاش‌هایشان بیفزایند و هم از سوی دیگر، بر سطح کلان برداشت‌ها و باورهای یک جامعه در کلیت آن، تأثیر مثبت می‌گذارد.

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در امر خیر، در پنج دسته عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بررسی می‌گردد. لازم به ذکر است که این عوامل در مشارکت مردان نیز، مؤثر و در بعضی موارد، مشترک می‌باشد، ولی میزان تأثیرگذاری آن در زنان و مردان متفاوت بوده است.

### الف. عوامل فردی

در خصوص عوامل فردی: زمینه عاطفی - احساسی، تقویت انگیزه، سطح سواد و سن فرد، تأثیر بسیار مؤثری بر مشارکت زنان در امر خیر دارد که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱. زمینه عاطفی - احساسی

بخش قابل توجهی از فعالیت‌های روزمره هر انسانی، تنها بر اساس خواست عواطف، جامعه عمل می‌پوشد (سجادی، ۱۳۹۱، ۲۱). عواطف با تمام گونه‌هایش، خاصیت حرکت‌زایی دارد (نجاتی، ۱۳۸۱، ۳۱) و به عبارتی، زندگی انسان‌ها در بسیاری از زمینه‌ها، عرصه فرمانروایی احساسات است.

قدرت حرکت‌آفرینی عواطف، دانشمندان را بر این واداشته است که نقش خرد را در این رابطه، به دقت بررسی کرده و تنافی و تعامل احساسات و عقل را مدنظر قرار دهند. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

تجلیات روحی خواستن، شیفته شدن، حرارت و حرکت دادن، از کانون دل ریشه می‌گیرد و فکر، اندیشه، دوراندیشی، حسابگری و... از تجلیات کانون عقل، دومین مرکز در روح انسان می‌باشد. گاهی بین این دو، توافق و هماهنگی حاصل می‌شود و عقل، پسند دل را تصدیق می‌کند، ولی بسیاری اوقات، اختلاف جایگزین توافق بین آن دو می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۴، ۷۷۱).

در زنان، بُعد عاطفی و احساسی نیرومندتر است و بر طبق نظر بسیاری از محققان در ابعاد حیات زن، عواطف در زنان به‌طور عام، قوی‌تر و شکوفاتر است و همین عامل، زمینه مساعدتری برای فعالیت وی در امور خیر را فراهم می‌نماید. این امر، به‌ویژه در زمینه مشارکت زنان با برانگیختن عواطف، به حمایت جسمی - روانی در فعالیت‌هایی همچون پرستاری از کودکان، بیماران و افراد مسن، کمک به افراد فقیر و... دیده می‌شود.

یکی از مواردی که عواطف و احساسات، تأثیر بسیاری بر آن دارد انگیزه است. انسان‌ها نه فقط از لحاظ توانایی انجام کار، بلکه از لحاظ میل یا اراده انجام کار یا انگیزه، متفاوت هستند. انگیزه‌ها را گاهی به عنوان نیازها، تمایلات، سلیق یا محرک‌های درونی تعریف می‌کنند. انگیزه‌ها که چراهای رفتاری هستند، دلیل اصلی عمل به شمار می‌روند. بنابراین، انگیزه ایجاد یا به‌طور کلی، وجود چنان حالت کشش و رغبت و تمایلی در فرد است که او را به انجام عملی در جهتی خاص بر می‌انگیزد. در واقع، مجموعه شرایط و عواملی که باعث می‌شود فرد از درون به فعالیت درآید، انگیزه است. عوامل گروهی، اجتماعی و روانی نقش چشم‌گیری در شکل دادن به نحوه رفتار افراد ایفا می‌کنند. انسان، به‌وسیله انگیزنده‌های گوناگون، متغیر، پیچیده و در مواردی، همبسته و وابسته و متأثر از عوامل زمانی و مکانی برانگیخته می‌شود (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۷۲).

مشارکت زنان در انجام امور خیر نیز، تحت تأثیر عوامل انگیزشی متفاوت بوده و در نوع و میزان آن، تأثیر به‌سزایی دارد. این عامل در زنان، بسیار متأثر از احساسات بوده و عواطف زنانه به عنوان فاکتوری اثر بخش در این اقدامات دیده می‌شود. به عنوان نمونه، می‌توان تأسیس خیریه محک توسط خانم قدس، با انگیزه حمایت از بیماران سرطانی را بیان نمود که ایجاد آن، تحت تأثیر بیماری سرطان فرزند ایشان بوده و در حال حاضر، خدمات فراوانی را در کل کشور ارائه می‌نماید (mahak-charity.org).

## ۲. سطح سواد

میزان تحصیلات افراد، به عنوان فاکتوری تأثیرگذار در مشارکت اجتماعی بیان شده

و بالطبع در مشارکت در امر خیر نیز، بسیار مؤثر می‌باشد. پایین بودن سطح سواد زنان، باعث می‌شود که آنها نیاز چندانی به مشارکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی در حوزه‌های مختلف را احساس نکنند یا نتوانند از فواید این دوره‌ها استفاده کنند. صالحی امیری (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «نقش زنان در برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور: چالش‌ها و راهبردها» به این موضوع پرداخته و تأثیر سطح تحصیلات بر میزان مشارکت زنان را بیان داشته است (صالحی امیری، ۱۳۸۸). با توجه به شرایط فعلی و افزایش چشمگیر زنان در عرصه آموزش و روابط اجتماعی، می‌توان در جهت بهبود مشارکت آنان در امر خیر اقدام نمود.

### ۳. سن

سن، معمولاً بر اساس دوره کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، والدینی و بازنشستگی شناخته می‌شود. چون در سنین مختلف، درآمد و زمان فراغت متفاوت است، بنابراین مشارکت اجتماعی فرد نیز در مراحل سنی مختلف، یکسان نمی‌باشد. برخی از تحقیقات نشان داده است که ارتباط سن و انجمن‌پذیری و مشارکت اجتماعی به صورت رابطه U معکوس است، به گونه‌ای که از سن ۱۸ تا ۲۹ سالگی، عضویت یگانه و ۳۰-۵۹ سالگی، عضویت چندگانه است و در مقابل، جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر، در انجمن‌ها حضور کمتری دارند (ناطق پور و فیروز آبادی، ۱۳۸۴، ۶۵).

سن، یکی از عواملی است که می‌توان در بالا بردن میزان مشارکت زنان از آن بهره گرفت. زنان در سنین مختلف، بسیار مستعد انجام فعالیت‌های خیرخواهانه می‌باشند، ولی در برخی برهه‌ها به دلیل پررنگ بودن نقش تحصیل، همسری و به‌ویژه مادری، زمان کمتری برای انجام این کار دارند. پس از سپری شدن این دوران و با بزرگ شدن بچه‌ها، تحصیل آنها و یا ازدواجشان، مسئولیت‌های زمان بر زنان بسیار کاهش یافته و ایجاد خلأ عاطفی برای آنان می‌کند. این عارضه، که یکی از پدیده‌های سنین میان‌سالی، به نام سندرم آشیانه خالی نامیده می‌شود، نوعی افسردگی است که پس از آن که آخرین فرزند، خانه را ترک کرد، در زن و مرد ایجاد می‌شود. در این دوره، اگر فعالیت جبرانی، به‌خصوص از سوی مادر انجام نشود، در مواردی ممکن است منجر به



افسردگی مادر (و حتی پدر) شود (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷، ترجمه رضاعی، ۱۳۹۰). در این سندرم، ناامیدی در فرد او را در وضعیت غیر فعالی قرار می‌دهد که نمی‌تواند موقعیت‌های مختلف را سنجیده و در مورد آنها تصمیم بگیرد. با گذشت زمان، فرد همه امید خود را از دست داده و افسردگی عمیق جایگزین آن می‌شود (خالدیان و سهرابی، ۱۳۹۳، ۹۳). یکی از راهبردهای درمانی ارائه شده توسط روانشناسان در پیشگیری و کاهش این عارضه، انجام کار گروهی و مشارکتی می‌باشد. حضور زنان در این سنین در عرصه‌های خیریه‌ای، با بالا بردن حس اعتماد به نفس و ایجاد روحیه به دلیل انرژی مثبت انجام کار خیر، نه تنها عارضه موجود را کاهش و یا حذف می‌کند، بلکه پتانسیل‌های موجود در جامعه را، جهت بهبود شرایط افراد نیازمند (عاطفی، جسمی، مالی) به کار می‌گیرد. در نقاط بسیاری از مناطق جهان، مشارکت بالای زنان در این سن در NGOها دیده می‌شود. در خصوص بازه‌های سنی دیگر نیز، می‌توان از پتانسیل دختران مجرد، مجرد قطعی، مطلقه و یا بیوه در جهت مشارکت در امور خیر بهره گرفت که نه تنها در جهت بالا بردن میزان مشارکت خیرخواهانه، بلکه در جهت جلوگیری از افسردگی و دیگر آثار انزوای اجتماعی، بهره برد.

## ب. عوامل خانوادگی

میزان مشارکت اعضای خانواده در امر خیر و تربیت، دو گزینه‌ای است که در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. میزان مشارکت اعضای خانواده در امر خیر

مشارکت اعضای خانواده در انجام اعمال خیرخواهانه، تأثیر بسیار زیادی در میزان فعالیت دیگر اعضا در این امور دارد. خانواده‌هایی که فرهنگ خیر و نیکوکاری به شکل صحیح، اصولی و خداپسندانه در آنها نهادینه شده، این امر را سالیان متوالی به فرزندان خود نیز منتقل کرده و خیران آینده را تربیت می‌کنند.

پارسونز، مشارکت اجتماعی زنان را به دلیل دارا بودن نقشی مادرانه، فوق‌العاده عاطفی و خاص‌گرا، متأثر از خانواده و الگوهای موجود در محیط خانواده (مثل

مشارکت اعضای آن) دانسته و آن را در شرکت در انجمن‌ها و سازمان‌های غیر دولتی مؤثر می‌داند (روشه، ۱۳۷۷، ۱۹۱).

کریشنا و آف در نتایج تحقیقات خود در این حوزه، بیان می‌دارند افرادی که در خانواده‌هایی هستند که خانواده آنان با کمک دیگران، به حل مشکلات اجتماعی مبادرت ورزیده‌اند، افراد آن خانواده‌ها از سهم و میزان بیشتری از سرمایه اجتماعی برخوردارند (کریشنا و آف، ۲۰۰۲، ۱۱۸). دکتر محمد احمدپور داریانی نیز، در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی ارزشی»، بیان می‌دارد که کارآفرین ارزشی، در بستر خانواده‌ای رشد کرده و پرورش می‌یابد که انفاق و دست‌گیری از ایتم و فقرا، در صدر باورهای عملی‌اش قرار دارند. او از مرحوم حسین همدانیان، مؤسس خیریه همدانیان به عنوان نمونه یاد می‌کند (انصاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۲).

البته، استثنائاتی نیز در این زمینه وجود دارد و بعضی موارد، عملکرد نادرست منجر به اثر عکس می‌شود؛ مثلاً پدری که با وجود نیاز فرزندان، همه اموال خود را صرف امور خیریه می‌کند، تأثیری معکوس در مشارکت خانواده در این امور می‌گذارد.

## ۲. تربیت

تربیت، عبارت است از فعالیتی هدفمند و دو سویه میان مربی و متربی، به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و... در این تعریف، چند نکته مورد توجه می‌باشد: نخست اینکه تربیت، فعالیت و عمل است و به آن، به عنوان یک واقعیت نگریسته شده است. دوم، تربیت، فعالیت هدفمند و برنامه‌ریزی شده است. سوم، تربیت، دو سویه است و در اثر تعامل مطلوب و تأثیر و تأثر متقابل مربی و متربی، محقق می‌شود. چهارم، تربیت دارای عناصری است و عناصر اصلی، آن مربی و متربی است. بدون وجود این دو، تربیت معنا پیدا نمی‌کند. البته در اینجا مراد از مربی، صرف معلم و مربی انسانی نیست، بلکه شامل سایر عوامل تأثیرگذار نیز می‌باشد. پنجم، هرچند تربیت دو سویه است، اما غرض اصلی کمک به متربی و پرورش وی است (بناری، ۱۳۸۳، ۶۹).

در زمینه تربیت زنان خیر، اصول تربیتی مشابهی در خصوص زنان و مردان وجود دارد و تفاوت چشمگیری در خصوص تفاوت جنسی دیده نمی‌شود، اما به دلیل این که هدف از پژوهش، بیان عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان است، لازم است که به این عوامل هر چند مشترک نیز پرداخته گردد. در این جا، تربیت در دو بُعد والدینی و اجتماعی، بیشترین تأثیر را دارد.

### یک. تربیت والدینی

در فرهنگ قرآن، به برقراری رابطه عاطفی افراد بشر با یکدیگر، به مثابه یک اصل تربیتی توجه شده است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۱ و ۳) و سرآمد این رابطه عاطفی، در ارتباط والدین و فرزندان دیده می‌شود. والدین، نخستین الگوی تربیتی فرزندان هستند و با توجه به این نقش، مسئولیت‌های دشواری را بر عهده دارند. مسئولیت‌هایی که باعث رشد و شکوفایی عواطف و فضایل اخلاقی آنها و در پی آن، فرزندانشان می‌شود. برای تربیت صحیح و اصولی، والدین بایستی رفتارهای خوب و شایسته را به صورت عملی در معرض نمایش فرزندان بگذارند تا امیال فطری کودکان نیز با توجه به این رفتارها، از حالت بالقوه به فعلیت برسد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: چگونه کسی که خود صالح نگردیده است، می‌تواند دیگری را اصلاح کند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ۴).

هماهنگی میان افعال و گفتار والدین نیز، نکته دیگری است که در تربیت فرزند بسیار حایز اهمیت است و در کلام معصوم به ویژه حضرت علی علیه السلام، به آن توجه شده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

ای مردم، سوگند به خدا که شما را به طاعتی ترغیب نمی‌کنم، مگر آن که از شما پیشی گیرم و شما را از معصیتی منع نمی‌کنم، مگر آن که پیش از شما از آن باز می‌ایستم (فیض الاسلام، ۵۶۵، ۱۷۴).

در زمینه تربیت افراد نیکوکار، این اصول بسیار حایز اهمیت می‌باشد. احتمال این که والدین خیر، فرزند خیر تربیت کنند، به مراتب بیشتر از والدینی است که هیچ‌گونه دغدغه‌ای در این زمینه ندارند. به عبارت دیگر، فرزندان همواره الگوهایی را پیش چشم دارند که دغدغه هموعان و کمک و رفع گرفتاری از آنها را دارند و همین امر، موجب

نهادینه شدن حسّ نوعدوستی و کمک به افراد نیازمند در آنها می‌شود. در این حوزه، به نظر می‌رسد میزان اثرپذیری دختران، به دلیل مؤانست و تعامل عاطفی بیشتر با والدین، چشمگیرتر باشد.

### دو. تربیت اجتماعی

منظور از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به هم نوعان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها اقدام کند. به تعبیر دیگر، می‌توان تربیت اجتماعی را آشنا ساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و آن گاه، پرورش روحیه تعهد و التزام عملی، به انجام وظایف خویش دانست (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲).

دوستان و گروه همسالان، از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر تربیت اجتماعی افراد به حساب می‌آیند. افراد، به خصوص در دوران نوجوانی و جوانی، گرایش زیادی به ارتباط و الگوبرداری از این دو گروه داشته و فرصت زیادی را به همنشینی با آنان اختصاص می‌دهند. همین همنشینی و رفاقت، زمینه تأثیرپذیری آنان از یکدیگر را فراهم می‌نماید. حضرت علی علیه السلام در سیره تربیتی خود، به این امر توجه داشته و به گونه‌ای بسیار ظریف، آن را بیان می‌دارند. ایشان، در توصیه به فرزندشان امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «سل عن الرفیق قبل الطریق والجار قبل الدار»: قبل از پرسش از راه و مسیر، از همراهت پرسش نما و قبل از تحقیق در مورد خانه، در مورد همسایه آن سوال کن (فیض الاسلام، نامه ۳۱).

در کشورهای پیشرفته در امر خیر، تربیت اجتماعی، زنان و مردان را به سمت انجام عمل خیر هدایت نموده و در این زمینه، آن را به صورت امری نهادینه درآورده است. بسیاری از دانشگاه‌های برتر جهان، پژوهشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و دیگر مراکز مهم توسط موقوفات و درآمدهای ناشی از کارهای خیرخواهانه، که به‌طور مستمر در افراد جامعه تقویت می‌شود، اداره می‌گردد.

### سه. عوامل اقتصادی

انجام فعالیت‌های داوطلبانه خیرخواهانه، در اشکال متفاوتی چون کمک‌های اقتصادی، ارائه خدمات پزشکی، انجام فعالیت‌های داوطلبانه، حمایت از نخبگان علمی و... صورت می‌گیرد. یکی از بارزترین این فعالیت‌ها، مشارکت اقتصادی به اشکال گوناگون از جمله وقف، تأمین هزینه پروژه‌های خیرخواهانه، احداث مدرسه، بیمارستان و... می‌باشد. برخی توانمندی‌های اقتصادی زن مسلمان، از جمله مهریه، نفقه، ارث و حق مالکیت او بر درآمد ناشی از فعالیت اقتصادی، از جمله عواملی است که وی را مستعد فعالیت در امر خیر نموده، که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

مهریه، از جمله حقوق اقتصادی زن در اسلام است که مرد موظف است در صورت مطالبه زن، آن را پرداخت نماید. خداوند در سوره نساء، آیه ۴، در این خصوص می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾؛ مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه)، به آنها بپردازید و اگر آنها با رضایت خاطر، چیزی از آن را به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

از دیگر حقوق مالی زن که وی را مستعد مشارکت در امر خیر می‌نماید، نفقه است. خداوند در سوره نساء، آیه ۳۴، به موضوع نفقه پرداخته و بیان می‌دارد: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾؛ مردان، عهده‌دار امور زنانند، به سبب برتری‌هایی که خداوند (از نظر اجتماعی) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. در این خصوص، نه تنها زن‌ها موظف به تأمین هزینه‌های زندگی نیستند، بلکه می‌توانند با صرفه‌جویی در نفقه پرداختی، بخش مازاد آن را در هر زمینه‌ای که مایل باشند، همچون کار خیر، استفاده کنند.

ارث زن نیز، از دیگر مواردی است که وی را در انجام خیر مستعد می‌سازد. در این خصوص، قرآن کریم در آیه ۷ سوره نساء، به صراحت می‌فرماید: زنان مانند مردان، از اموالی که پدر و مادر و نزدیکان به جای می‌گذارند، سهم دارند؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و پرداختی: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ بر اساس این آیه، مالکیت ارث زنان تنها در اختیار خودشان است و پدر، شوهر و... در آن سهمی ندارند.

از دیگر عوامل اقتصادی مؤثر بر مستعد بودن زنان در مشارکت‌های خیرخواهانه داوطلبانه، حق بر درآمدهای ناشی از اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی است. در این خصوص، دین اسلام بر خلاف دوران جاهلیت، که هیچ‌گونه حق کار و دستمزدی برای زن قائل نبودند و همه دست‌رنج او را پدر یا شوهرش تصاحب می‌کردند، اعلام می‌کند که زنان مانند مردان، مالک بهره کار و زحماتشان هستند: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ مردان و زنان از آنچه به دست می‌آورند، نصیبی دارند (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد) و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها یاری طلبید و خداوند به هر چیز دانا است (نساء/۳۲).

با توجه به بررسی مبانی قرآنی حقوق اقتصادی زن در خانواده، روشن می‌گردد که در اسلام، حقوق اقتصادی و مالکیت زنان محترم شمرده شده است؛ یعنی زنان صاحب و مالک دارایی خود هستند، چه آن را به صورت مهریه و یا نفقه (تحت شرایطی) به دست آورده باشند و یا از پدر و مادر، همسر یا خویشان به ارث برده باشند. در هر صورت، آنان حق خرید و فروش اموال خود را داشته و می‌توانند به میل و صلاحدید خویش، بدون آن که لازم باشد جوابگوی کسی باشند، آن را در امور مختلف، از جمله امور خیر، خرج کنند. تأثیر این امر در انجام کارهای خیر، در دوره صفوی، در بین زنان به‌ویژه زنان طبقه اشراف که از ثروت زیادی بهره‌مند بودند، دیده می‌شود که به وقف اموال جهت امور مختلف پرداخته‌اند. در دوره صفوی در اصفهان، بیش از ۵۷ وقف‌نامه در بایگانی اداره اوقاف وجود دارد که در میان آن‌ها، ۱۷ وقف‌نامه از سوی بانوان خیر تنظیم شده‌اند (احمدی، ۱۳۷۶، ۱۰۱). این امر، نشان می‌دهد که در صورت اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی صحیح و وجود بستر مناسب، زنان قادر خواهند بود در این عرصه، بسیار فعال ظاهر گردند.

## چهار. عوامل اجتماعی

در جامعه اسلامی بنابر آموزه‌های متعالی دینی و استناد به متون اسلامی، تفاوتی در توانایی زن و مرد در مباحث بنیادی و شناخت‌شناسی دیده نمی‌شود. تفاوت فقط در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی است که در آفرینش انسان، به دو جنس زن و مرد افاضه شده است. از نظر اسلام، میدان و عرصه فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زن کاملاً باز است و بحث توانمندسازی زنان می‌تواند در جامعه اسلامی با بهره‌گیری از پشتوانه اعتقادات مذهبی در جهت اصلاح قوانین و صدور احکام ثانویه فقها، در بسیاری از زمینه‌ها، بستر رشد زنان را فراهم نماید. در خصوص توانمندسازی و تربیت زنان خیر، نقش آموزش و رسانه بسیار مؤثر می‌باشد.

### اول. آموزش

آموزش و تحصیلات، از دیگر متغیرهای مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه، به‌عنوان گونه‌ای از سرمایه اجتماعی می‌باشد. لایسون و ساکردوت (۲۰۰۰)، بیان می‌دارند میزان اعتماد و کوشش در حل مسائل محلی، در بین افراد با تحصیلات کالج بیشتر است. بین سال‌های رسمی آموزش در مدرسه و سرمایه اجتماعی، رابطه مستقیم وجود داشته و دلیل آن تا حدودی، ناشی از محیط‌های نهادی مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری و آموزه‌های اخلاقی آنان، در جهت تعاون و همیاری می‌باشد (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴، ۶۸). حضور و مشارکت زنان به‌عنوان نیمی از نیروی بالقوه جامعه، می‌تواند نقش مؤثری در پیشرفت جامعه داشته باشد. از بین بردن تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و نیز آموزش و پرورش، به کارایی بالاتر زنان در جامعه می‌انجامد. تجربه‌های کشورهای جنوب شرق آسیا نشان داده است که سرمایه‌گذاری در آموزش زنان، موجب افزایش تولید اجتماعی شده و زمینه را برای رشد و توسعه بیشتر فراهم می‌سازد (عمادزاده، ۱۳۸۲، ۱۱۶).

رسیدن به حد مطلوب مشارکت اجتماعی زنان، به افزایش قابلیت‌ها و توانمندی‌های زنان از طریق فراهم آوردن و در اختیار قراردادن کلیه امکانات لازم، جهت باروری و

بالفعل درآمدن استعدادهای آنان، مشخصاً از طریق آموزش و ارتقای سطح آگاهی‌های همه جانبه آن‌ها بستگی دارد؛ چراکه این دارایی انسانی، زمانی منبع توسعه خواهد بود که قابلیت و توانایی شرکت و تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در جامعه را داشته باشد و بدین منظور، بایستی آموزش دیده و به عبارت واضح‌تر، توانمند باشد. از سوی دیگر، این مهم نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مسئولانه دولت‌مردان و نهادهای مدنی، به‌منظور تغییر و بهبود موانع ساختاری اجتماعی می‌باشد. این جاست که آموزش، هم به‌عنوان زمینه و بستر مستقل مشارکت و هم به‌عنوان عامل غیر مستقیم و مؤثر در رفع دیگر موانع ساختاری مشارکت اجتماعی، مطرح می‌شود.

بدیهی است، تأکید بر اهمیت آموزش و افزایش سطح آگاهی اجتماعی، مکمل دیگر برنامه‌ریزی‌ها و تغییرات بنیادین در وضعیت حقوقی، فرصت‌های شغلی، باورهای فرهنگی، استراتژی‌های مدیریت کلان اجتماعی و شأن و جایگاه اجتماعی زنان، خواهد بود و در این صورت است که می‌توان به مشارکت واقعی و در خور شأن اجتماعی زنان، بدان گونه که بتواند جامعه را از توان و استعداد خدادادی آنان بهره‌مند سازد، امیدوار بود. آموزش از طریق افزایش ذخیره سرمایه انسانی، باعث رشد و کارایی نیروی کار می‌شود و موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. دگرگونی‌های شتابنده دانش و فناوری در سده‌های اخیر و افزایش نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی، موجب شده است کشورهای پیشرفته جهان دریابند که توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورشان، بدون توجه به زنان امکان‌پذیر نیست. مشارکت زنان در امر خیر نیز، از این قاعده مستثنی نبوده و آموزش، سهم ویژه‌ای در ارتقاء آن دارد.

#### آموزش عمومی

آموزش در مفهوم عام یا آموزش عمومی، شامل هر نوع انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری در ذهن فراگیر، به‌منظور ایجاد یادگیری در وی می‌باشد، خواه این تأثیرگذاری در قالب رسمی و از پیش طرح‌ریزی شده باشد؛ همانند آنچه در مراکز آموزشی و به‌ویژه در کلاس درس انجام می‌گیرد و خواه به صورت خود به خودی و بدون طراحی و برنامه‌ریزی قبلی باشد؛ همانند تأثیری که از برنامه‌های آموزشی تلویزیونی و یا مطالعه کتاب و مجله و مانند اینها ناشی می‌شود (همت بناری، ۱۳۹۰، ۳۸). در حوزه مشارکت در



امر خیر، به‌ویژه مشارکت زنان، نقش آموزش عمومی از طریق رسانه، مساجد، کانون‌های فرهنگی - ورزشی و همچنین برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها در جهت ایجاد انگیزه، بسیار مهم است که متأسفانه، بسیار کم به آن پرداخته شده است. این، در صورتی است که به دلیل وجود تعداد بسیاری از زنان غیر شاغل و ارتباط مستمر آنان با رسانه و یا محیط‌های نام برده، می‌توان با انجام آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح، مشارکت زنان را در حوزه امر خیر افزایش داد.

یکی از اشکال آموزش عمومی که در بالا بردن مشارکت زنان بسیار مؤثر است، آموزش چهره به چهره است. ارتباطات دوسویه و چهره به چهره، از دیرباز یکی از مؤثرترین و کارآمدترین نوع ارتباط بوده و مخاطب، بازخوردها و فیدبک‌های پیام را به‌راحتی، در اختیار فرستنده قرار می‌دهد. در این نوع آموزش، مربی و آموزش‌گیرنده به‌طور مستقیم و رودررو با یکدیگر، ارتباط برقرار می‌کنند و فراگیر آزادانه اجازه صحبت، پرسش و ارائه نظر دارد. این روش، در جذب مشارکت داوطلبانه از طریق برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها، سمینارها و... در جهت تبیین امر خیر و جایگاه آن بسیار مؤثر می‌باشد و با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های زنان، با بهره‌گیری از تأثیر مستقیم بر مخاطب و عواطف و احساسات او، در جذب آنان بسیار مؤثر و در صورت اجرای صحیح، بسیار کاربردی می‌باشد.

#### آموزش اختصاصی

آموزش در مفهوم خاص خود، در قالب و شرایط ویژه‌ای صورت می‌گیرد که عبارت است از فعالیت‌هایی که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به‌صورت کنش متقابل جریان می‌یابد (سیف، ۱۳۶۸، ۳۰).

به عبارت دیگر، فعالیتی است که معلم و شاگرد با هم در کلاس درس انجام می‌دهند (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ۸۲). در حوزه آموزش اختصاصی امر خیر، می‌توان به دانشگاه‌هایی که با تعریف رشته‌های مرتبط با امور خیر (رشته‌هایی در جهت آموزش نحوه مدیریت منابع خیریه‌ها، جذب خیر و مشارکت‌کننده (مالی، فعالیت داوطلبانه)

و...) به‌طور ویژه به این امر پرداخته‌اند، از جمله کشور آمریکا، به‌عنوان پیشتاز و پس از آن انگلیس، اشاره نمود.

نوع دیگر از این فعالیت‌ها، به شکل حمایت تحصیلی از افراد نخبه است. برخی مؤسسات به حمایت مادی و معنوی از افراد نخبه پرداخته، تا در جهت شکوفایی استعداد آنها در آینده اقدام کنند. این گونه اعمال، باعث رشد پتانسیل انجام فعالیت‌های خیرخواهانه در آینده این افراد می‌گردد.

در ایران، مدرسه نوآوری اجتماعی روشنا در این زمینه فعالیت دارد. مأموریت این مدرسه، فعال‌سازی ظرفیت نخبگانی بالقوه کشور برای مواجهه با مسایل پیچیده اجتماعی است و در همین راستا، ۱۰ نفر از کارآفرینان اجتماعی مجرب و فعال در سطح کشور را، مورد حمایت مادی و معنوی قرار داده است (roshana-school.ir).

#### دوم. نقش رسانه

امروزه، رسانه‌ها از جمله قدرتمندترین عوامل در ایجاد ارتباطات اجتماعی، انتقال و نشر انواع دانش‌ها و پیام‌ها و ایجاد دگرگونی‌های وسیع در نگرش‌های جمعی، به‌شمار می‌آیند (عامری و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۳). گیدنز معتقد است: رسانه‌ها، نیروی محرک و تهدید کننده فرهنگ هستند. رسانه، گذشته از آن که خود فرهنگ غالبی را ترویج می‌کند، از عناصر فرهنگ‌ساز است. رسانه‌ها، با انعکاس داده‌های فرهنگی یک جامعه، بایستی کوشش کنند که مینیاتوری از فرهنگ کلی جامعه باشند. رسانه‌ها، به‌عنوان پل ارتباطی میان نخبگان و جامعه، نقش آفرینش فرهنگی را بازی نموده و مشارکت فرهنگی را نهادینه می‌سازند (آغاز و جعفرنژاد، ۱۳۸۶، ۹۲). تلویزیون به‌عنوان یکی از پرمصرف‌ترین رسانه‌ها و مصرف‌فرآورده‌های فرهنگی آن، در میان مدت و دراز مدت، در اندیشه و نگرش مخاطبین تأثیر می‌گذارد. همچنین از طریق برجسته کردن، هدایت دادن، پررنگ کردن و یا به حاشیه بردن و کم رنگ کردن امور و رویدادها، دستور کاری برای ذهن و ارتباط با محیط اجتماعی فراهم می‌آورد (میرسعید قاضی و اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۴).

در زمینه فعالیت در امور خیر توسط زنان نیز، رسانه از روش‌های زیر تأثیر بسیاری می‌تواند داشته باشد.

### فرهنگ‌سازی امر خیر

رسانه و به‌ویژه تلویزیون، با ایجاد بستر مناسب و نگرش مثبت، در خصوص مشارکت در امور خیریه توسط زنان، بسیار مؤثر بوده و می‌تواند با معرفی زنان خیر و نمایش دادن آثار فعالیت‌های آنها به ترویج این فرهنگ حسنه و ترغیب زنان به امر خیر، مبادرت ورزد. همچنین نمایش فیلم‌ها، سریال‌ها و مجموعه‌های مستندی که به اثرگذاری زنان در این حوزه به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم می‌پردازد، بسیار راهگشاست. به عنوان مثال، نمایش سریال‌هایی که کمک به هم‌نوع و دغدغه‌مندی در این زمینه را نشان می‌دهد، به شکل غیر مستقیم، فرهنگ نیکوکاری را ترویج می‌کند و با توجه به بالا بودن مصرف رسانه توسط زنان غیر شاغل، می‌تواند در جهت حرکت این گروه به همکاری و مشارکت در امور خیر در جامعه مؤثر باشد. محسنی، در پژوهش خود در این زمینه بیان می‌دارد که میزان مصرف رسانه همچون تلویزیون، رادیو، اینترنت، تلفن، روزنامه، مجله و موبایل، سهم عمده‌ای را در انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم نهاد داشته است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۸۵).

### اطلاع‌رسانی

اطلاع‌رسانی صحیح در زمینه‌های مختلف، در مشارکت افراد در آن موضوع، بسیار مؤثر بوده و هر چه این اطلاع‌رسانی شفاف‌تر، اصولی و جذاب‌تر باشد، درصد بیشتری از افراد را جذب همکاری می‌نماید. در این زمینه، اطلاع‌رسانی برنامه ماه عسل در خصوص کمک به آزادی زندانیان، در ماه رمضان سال ۹۶، منجر به جمع‌آوری نزدیک به ۱۵ میلیارد تومان وجه نقد شد که نشان از میزان تأثیر اطلاع‌رسانی، در جذب مشارکت دارد.

یزدان‌پناه و صمدیان در تحقیق خود، به وجود رابطه بین اطلاع زنان از وجود نهادهای مشارکتی و میزان فعالیت اشاره کرده و بیان می‌دارند بین آگاهی از وجود انجمن‌ها و نهادها و مشارکت اجتماعی زنان، رابطه معناداری وجود دارد (یزدان‌پناه و صمدیان، ۱۳۸۷، ۱۴۷). انجام فعالیت مشارکتی داوطلبانه در امر خیر نیز، از این موضوع مستثنی نبوده و هر چه اطلاع‌رسانی بهتر و مفیدتری ارائه شود، میزان مشارکت زنان با توجه به حمایت‌گری ذاتی آنها بیشتر می‌گردد.

### پنج. عوامل مذهبی

هر جامعه‌ای متناسب با نظام فرهنگی خود، نوع ویژه‌ای از مشارکت مردمی را داراست. عوامل مذهبی، از جمله عوامل مؤثر در میزان مشارکت اجتماعی در جوامع مختلف می‌باشد که برگرفته از مبانی دینی همچون مسیحیت، یهود، زرتشت و اسلام می‌باشد. بر این مبنا در جامعه ایران، غالب اشکال مشارکت مردم در بافت و ساختار ارزش‌های مذهبی صورت گرفته است و اصیل‌ترین احساسات، عواطف و خواست‌های ایرانیان، ریشه در باورها و ارزش‌های مذهبی دارد (مسجد جامعی، ۱۳۷۷، ۲۲۲). مشارکت و یاری‌گری در فرهنگ ایرانی و اسلامی، با تأکید بر جنبه‌های روانی و معنوی و رشد شخصیت، باعث پیدایش و آفرینش دانش و آگاهی شده است و در از بین بردن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته با راه‌های تازه، کمک می‌کند (آغاز، ۱۳۸۱، ۲۲۷). با نگاهی گذرا به منابع اسلامی، در می‌یابیم اعمالی که از نظر اسلام نیک شمرده شده‌اند، اعمالی هستند که خیرخواهی و دگرخواهی در آن بروز و ظهور دارد و به نوعی، منفعت دیگران در آن است (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۶). مشارکت زنان در امر خیر نیز، به‌عنوان نوعی از مشارکت اجتماعی داوطلبانه، از این قاعده مستثنی نبوده و ابعاد مذهبی در میزان و نوع آن بسیار مؤثر است. به‌عنوان نمونه، آمار مشارکت خیره‌ای مذهبی زنان بر اساس تحقیق شادی‌طلب در سال ۱۳۸۲، بسیار بیشتر از دیگر اشکال از مشارکت‌های آنان می‌باشد که در مقایسه با میانگین دیگر مشارکت‌های اجتماعی بسیار بیشتر بوده است (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ۱۶۹).

این نوع مشارکت، در قالب‌های متفاوتی جلوه‌گر می‌گردد که بارزترین آن‌ها عبارتند از:

الف. مناسک: که شامل پرداخت خمس، زکات، کفاره، انجام قربانی و موارد دیگر می‌گردد و زنان به‌طور مستقیم در آن فعالیت نموده و یا به‌طور غیر مستقیم با تشویق همسر، به این امر خیر مبادرت می‌ورزند.

ب. مراسم‌ها: که عرصه گسترده‌ای را در برمی‌گیرد و شامل انجام عزاداری در ایام سوگواری، همچون محرم و صفر و...، افطاری دادن در ماه رمضان، ولیمه دادن به مناسبت ازدواج، تولد فرزند و یا خرید خانه و موارد دیگر می‌باشد. در این زمینه،

مشارکت زنان در برگزاری این مراسم‌ها از طریق پرداخت همه یا بخشی از هزینه‌ها و یا انجام فعالیت بدنی داوطلبانه همچون آشپزی، پذیرایی و... در جهت برگزاری این مراسم است.

ج. ساخت ابنیه: در این زمینه، به‌خصوص مشارکت در ساخت ابنیه مذهبی مثل مسجد و حوزه علمیه بسیار دیده شده و در زمان فعلی به ساخت دانشگاه، مدرسه، خوابگاه، بیمارستان، پرورشگاه و... می‌توان اشاره نمود.

### نتیجه‌گیری

مشارکت در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این جوامع، گسترش فرهنگ مشارکت، سبب حضور بیشتر مردم در عرصه‌های گوناگون و استفاده بیشتر از نیروهای بالقوه آنان می‌شود. در این بین، توجه به مشارکت زنان، به عنوان بیش از نیمی از جمعیت جامعه، تأثیر بسزایی در رشد و شکوفایی کشور دارد.

از نظر دین مبین اسلام نیز، میدان و عرصه فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زن کاملاً باز است و بحث توانمندسازی زنان می‌تواند در جامعه اسلامی با بهره‌گیری از پشتوانه اعتقادات مذهبی، در جهت اصلاح قوانین و صدور احکام ثانویه فقها در بسیاری از زمینه‌ها، بستر رشد زنان را فراهم نماید. زمینه فعالیت داوطلبانه خیرخواهانه، یکی از این عرصه‌هاست که حضور حداکثری زنان را می‌طلبد. توانمندی اقتصادی زنان مسلمان به دلیل مهریه، نفقه، ارث و درآمدهای ناشی از اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی آنها و این مسأله که مسئولیت تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده آنان نیست، یکی از زمینه‌هایی است که زنان را برای انجام کارهای خیر، مستعد می‌سازد. این پژوهش، به بررسی مشارکت زنان در فعالیت‌های داوطلبانه خیرخواهانه پرداخته و عوامل مؤثر بر میزان فعالیت را بیان نموده است. عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در امر خیر، در پنج دسته عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی می‌باشد که هر کدام به سهم خود، تأثیر به‌سزایی در میزان مشارکت بانوان در امر خیر دارد. در نمودار زیر، خلاصه و جمع‌بندی تحقیق به شکل نمودار درختی بیان گردیده

است. امید است که با توجه ویژه به عوامل و پتانسیل‌های ویژه زنان، شاهد افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های خیرخواهانه باشیم.  
جمع بندی مطالب به شکل نمودار درختی



## کتاب‌نامه

۱. احمدی، زهت، ۱۳۷۶، وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی، وقف میراث جاویدان، سال ۵، شماره ۲۰ و ۱۹.
۲. انصاری، منوچهر و دیگران، (۱۳۸۹)، ویژگی‌های فردی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در مؤسسه‌های خیریه استان تهران، توسعه کارآفرینی، سال ۲، شماره ۸.
۳. اینگلهارت، رونالد، ۱۳۷۳، تحوّل فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۴. آغاز، محمد حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ یاریگری و مشارکت در ایران، مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، تهران.
۵. آغاز، محمد و جعفرنژاد، احمد، ۱۳۸۶، نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در سازمان‌دهی توسعه و بهبود افق چشم‌انداز توسعه با رویکردی بر رادیو و تلویزیون، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۶. بناری، علی‌همت، ۱۳۸۳، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه بر تربیت، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، رابطه تعلیم و تربیت با تأکید بر دیدگاه اسلام، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۸. بیرو، آلن، ۱۳۷۰، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۷۳، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۴، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۶.
۱۱. خالدیان، محمد و سهرابی، فرامرز، ۱۳۹۳، اثربخشی معنادرمانی به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی و افزایش امید در سالمندان با سندرم آشیانه خالی، مطالعات روانشناختی بالینی، شماره ۱۵، سال ۴.
۱۲. خوش‌فر، غلامرضا، ۱۳۸۷، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۳. ریشه، گئی، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، تیبان.
۱۴. زرین‌بافت‌شهر، فریبا، ۱۳۸۴، فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل، ترجمه محمد مروار، تاریخ پژوهان، سال اول، شماره ۳.
۱۵. سادوک، جیمز و سادوک، آلکوت، ۲۰۱۱، خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی، ترجمه فرزین رضاعی، تهران، انتشارات ارجمند.
۱۶. سجادی، ابراهیم، ۱۳۹۱، قرآن و ارزش اخلاقی، عواطف و احساسات، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۷، شماره ۴، زمستان.
۱۷. سیف، علی‌اکبر، ۱۳۶۸، روانشناسی پرورشی، تهران، آگاه.
۱۸. شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی زنان، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷، پاییز.
۱۹. شریعتمداری، علی، ۱۳۷۴، رسالت تربیتی مراکز آموزشی، تهران، سمت.
۲۰. صالحی امیری، ر، ۱۳۸۸، زنان و توسعه، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۲۱. عامری، محسن و دیگران، ۱۳۹۳، موانع مشارکت زنان در فعالیتهای فرهنگی، مدیریت فرهنگی، سال ۸، شماره ۲۴، تابستان.
۲۲. عمادزاده، مصطفی، ۱۳۸۲، اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷.
۲۳. عمرانی، سید مسعود و دیگران، ۱۳۹۵، راهکارهای تربیت اجتماعی و عاطفی نوجوانان در قرآن و احادیث، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۶، شماره ۲۳.
۲۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، روضه الواعظین و بصیرة المتعلمین، قم، رضی.
۲۵. فرجی، لیلا و فعلی، جواد، ۱۳۸۹، بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیر دولتی، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۴، زمستان.
۲۶. گنجی، محمد و دیگران، ۱۳۹۴، مشارکت در امور خیریه و وقف پیش درآمدی بر توسعه پایدار، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۳، شماره ۴، بهار.
۲۷. محسنی، رضاعلی و دیگران، ۱۳۹۲، بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم نهاد، زن و جامعه، سال ۴، شماره ۲، تابستان.
۲۸. مسجد جامعی، احمد، ۱۳۷۷، مشارکت فرهنگی و فرهنگ مشارکت، پیوند، پنجمین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، مجموعه آثار، چاپ دوم، تهران، انتشارات صدرا.
۳۰. ناطق پور، محمد جواد و فیروز آبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۴، زمستان.
۳۱. نجاتی، محمد عثمان، ۱۳۸۱، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، چاپ پنجم، تهران، امیر کبیر.
۳۲. یزدان‌پناه، لیلا و صمدیان، فاطمه، ۱۳۸۷، تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمان، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲، پاییز.
۳۳. یزدان‌پناه، لیلا، ۱۳۸۲، بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
34. Krishna, A and Uphoff, N, (2002). Mapping and measuring social capital through assessment of collective action to conserve and develop watersheds Rajasthan, India. . Published in Grootaert, C and Bastelaer, Cambridge Univ. press
35. <http://roshana-school.ir/about-us>
36. <https://www.mahak-charity.org/main/fa>



## امنیت در مکتب پیشوایان دین علیهم‌السلام \*

□ محمدحسین پژوهنده<sup>۱</sup>

### چکیده

نظر به موضع‌گیری اسلام نسبت به مسأله امنیت، چنین به نظر می‌رسد که هدف اصلی آن، برقراری امنیت در جوامع انسانی است.

نگارنده در راستای تبیین این هدف، کوشیده است طی چند بخش، راز نهفته‌ای را که در ایمان و اسلام است، آشکار نماید و این، مدعای ما در مسأله تحقیق است. نگارنده در نخستین بخش، به مفهوم کاوی برخی عناوین و اصطلاحات کلیدی در رابطه با امنیت می‌پردازد و در بخش دوم، بحثی را به میزان اهمیت مسأله امنیت در اسلام اختصاص داده و در بخش سوم، به ارائه مدل و الگوهای تئوریک در مکتب اسلام پرداخته است.

نویسنده، توجه به دو نکته را لازم می‌داند: یکی اینکه مقاله حاضر، هر چند در مقام پاسخ به شبهات نیست، اما تلویحاً و به دلالت تضمینی، به این حقیقت دست می‌یابد که چنین دینی، طبعاً نمی‌تواند خاصیت و طبیعتی غیر از امنیت داشته باشد که خود، پاسخی است به آنان که آن را به غرض یا به غلط، دین خشونت معرفی می‌نمایند.

نکته دیگر این است که اسناد روایات این بحث، اگرچه به‌طور عموم، مربوط به همه معصومین علیهم‌السلام است، اما به‌طور ویژه‌ای در بخش آخر به راهبردهای جاوید حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام مزین گردیده است.